



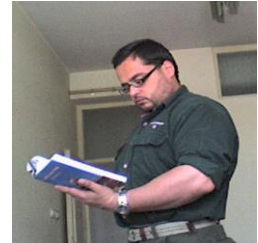
۲۰۱۶/۰۸/۲۶

مصطفی «عمرزی»



«افغانیست» ها را تشویق، حمایت و کمک کنید!

تالم ناشی از عدم درک واقعیت ها و تفکیک خوب و بد، جامعه‌ی بحرانی و آسیب دیده‌ی ما را از صدمات دیگری تضعیف می‌کند که هرکدام با تداخل عناصر شر و آشوب، صداها و نداها برای افغانستان و افغانان را همواره در حاشیه‌ی کشانیده است. با روی کار آمدن نظام پس از طالبان، بی‌موازنه‌گی در جهت منافع چند گروهک و دسته، انحصار قدرت و سرعت چپاول را در حدی باعث می‌شود تا نهایت مفاد از این روند در اختیار کسانی قرار گیرد که بخش‌های مهم حاکمیت ائتلاف و معامله بودند. غصب قدرت و بهره‌های میلیون دلاری از کمک‌ها و فرصت‌های اقتصادی-انحصاری، ملت ما را با حادثه‌ای رو به رو می‌کند که با حدوث آن، خیر زیادی متصور نمی‌شود. اگر در بیش از یک دهه‌ی گذشته، وحدت فکری آسیب دید و اولویت‌ها و نیازهای ما در عقب



خواسته‌ها و سیاست‌های بیرونی قرار گرفتند، نه فقط ناشی از ضعف مدیریت بود، بل کتله‌های گروهک‌های وابسته به منافع بیگانه، نقشی بازی کردند تا جامعه‌ی ما زیر شدت فشار دشواری، به نحوی با خودش نیز درگیر شود و ماحصل این نزاع، شقاق و درزهای اجتماعی را با انواع آلوده‌گی فکری در تعیین مرزبندی‌های تعصب قومی در میان مردم بکشاند و در حالی که دستگاه فرهنگی، رسانه‌یی و تحصیلی کشور، ضعف‌ها و آسیب‌های فراوان دارد و در برابر تهاجم فرهنگی بیرونی، عملاً ناکارآمد و ناتوان است، ستون‌ها، رشته‌ها و وحدتی آسیب پذیر شوند که با ویژه‌گی‌ها و عنصر تاریخ، جغرافیا و ملت‌ها را از شان حیثیت و احترام بین‌الدول برخوردار می‌کنند.

اکنون که این سطور مرقوم می‌شوند، دفاع از داعیه‌ی هویتی و فرهنگی کشور‌های همسایه با چنان بی‌شرمی، بی‌نگی و بی‌غیرتی، جزو اجندای کاری و فکری نهاد‌های رسانه‌یی و فرهنگی داخل قرار گرفته است که محال است نمونه‌ی آن را در آزادترین کشور‌های دریافت که به نحوی از انحاء، برای عملکردها توجیه می‌یابند.

این که در چه مقطعی قرار گرفته‌ایم و در کجا روانه‌ایم، چهارراه و قافله‌اش کاملاً آشکار است، اما اگر تعیین مسیر در چهارراه و رهنمای قافله‌ی مملکت چنان که اکنون است، چنین بماند، در حالی که از جاذبه‌ی اقتصادی ما کاسته می‌شود و آینده‌ی نامعلوم داریم و وحدت فکری را با بهانه‌ی توجیه آزادی بیان و دیموکراسی وارداتی در حد تمایلات و سلیق بعضی گروه‌ها و اقوام، منحصر می‌دانیم، از همین اکنون زنگ خطر به صدا می‌آید که هرگونه اغماض در برابر نشانی‌ها و اشخاصی که از داعیه‌ی ملی و منافع افغانستان و افغانان دفاع می‌کنند، معادل خیانت ملی است.

اسفبارترین وقایع در حاکمیت کرزی، هرچند به تمامی به او تعلق ندارند، در حاشیه‌ی ماندن جریان‌های بی‌طرف افغان از تمام اقوام بود. در چند نوبت زعامت کرزی (انتقالی، موقت و دو ریاست جمهوری) شدت فشار ناشی از تداخل عوامل بحران و خیانت در افغانستان، دستگاه اداری را آلوده و فاسد می‌سازد و نه فقط سرمایه‌ها و امکانات حیث و میل می‌شوند، بل با دارایی‌های دولتی و کمک‌های جهانی، عملاً در برابر افغانستان و افغانان، سنگرهای فرهنگی، رسانه‌یی، اقتصادی و هجومی می‌سازند تا شیرازه‌ی مملکت به نفع بیگانه، از هم بگسلد. این مامول بدون افراد مزدور، بیگانه، خاین و وابسته امکان نداشت، بنا بر این با حضور آنان در متن نظام، جفای بزرگی با افغانستان و افغانان می‌شود. این داستان بسیار دراز و خیلی تلخ است، اما آن چه بر تلخی بیشتر این داستان می‌افزاید، نه فقط بی‌توجهی و ضعف مدیریت است، بل عدم توجه بر آن عناصر بی‌طرف تاجیک، پشتون، اوزبیک، هزاره و از سایر اقوام می‌شود که آگاهانه، متعهد، با اخلاص و درک ناشی از واقعیت‌های چند دهه‌ی مرارت‌های مهاجرت، بی‌خانمانی و زیان‌های ناشی از وابسته‌گی، با کمترین امکانات، پرچم افغانیت زدند و در راستای اتحاد، برابری و برادری، مفت و رایگان کار کردند.

من، همواره از تماشای آن عناصر بیش از یک دهه‌ی حاکمیت افغانستان دلخور و آزرده می‌شوم که می‌بینم با وجود چپاول هستی افغانستان و دارایی‌ها، در حالی که از زنده‌گانی ننگین‌تگدی در گذشته، در رفاه افتیده‌اند، با وجود انحصار قدرت و امتیازات مالی فراوان، همانند مونتلفان تنظیمی کرزی، در حالی که هر یک نماینده‌گان چند کشور همسایه‌اند و با تلفظ عبارت «مردم افغانستان»، از ادای کلمه‌ی مقدس افغان، طفره می‌روند و روزی نیست برای برپادی و گسست این کشور، لحظه شماری نکنند، معزز می‌شوند، اما در سوی دیگر، آن جوان تاجیک که از تنظیمی و حزبی بودن منتفر است و با دست خالی، از افغانیت دفاع می‌کند، محروم می‌شود و هم‌تای هزاره‌اش در حالی که دوست ندارد حزب وحدتی و مزدور آخندی باشد، در بستر محرومیت‌های مرکزی، همواره طرف است تا سهم افغانستان و افغانان ضایع نشود و هموطن اوزبیک و مستضعف‌اش برای منافع ملی، تعصب می‌ورزد و هم میهن پشتون‌اش که دوست ندارد گوشت دهن توپ مدارس و استخبارات منطقه باشد، خودش را گرسنه‌گی و تشنه‌گی می‌دهد تا نام افغانستان و افغانان، باقی بماند.

در یک دهه‌ی گذشته، با ایجاد اداره‌ی ائتلافی و ناگزیری‌های ناشی از شرایط، آن قدر در جهت پُر کردن جیب دشمنان این کشور، رقابت کردند که اگر امروزه دسته‌هایی شکل می‌گیرند تا برای نابودی وحدت و اتحاد ما، هزینه‌ی داخلی کنند،

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابلو. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني دليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپرلو مخکي په خیر و لولی

تقصیر آن بیشتر از همه، متوجه کسانی ست که با فرو رفتن در گرداب انتلاف، کشور و ملت را فراموش می کنند و بدتر از همه از شنیدن صدا های غافل اند که برای افغانستان و افغانان بودند.

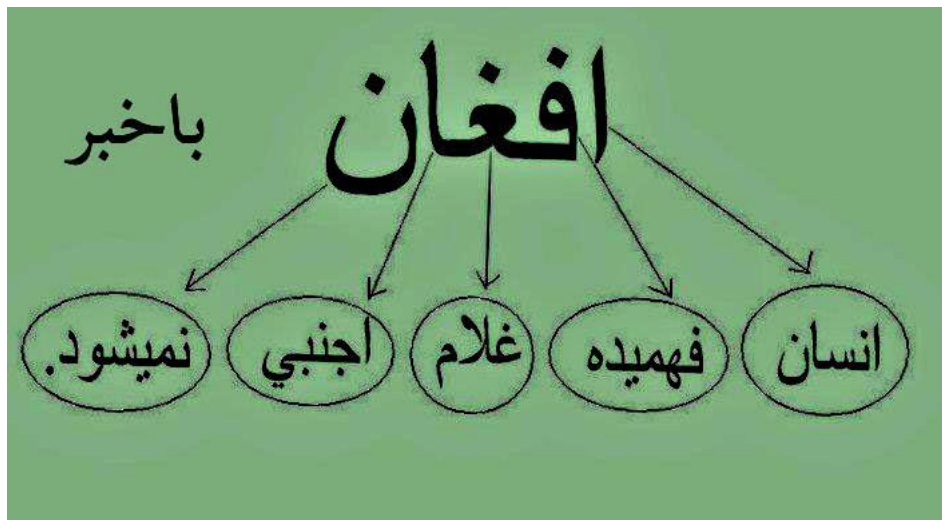
می خواهیم پاسخ دهند: چرا به آن افغانانی لبیک نگفتند که ثابت شد، دور ماندن آنان از متن نظام، همانند پایه هایی ست که برای برپایی مملکت در هر کشوری که برای منافع ملی فهم دارند، استوار نگه می دارند. اگر امروز مملکت را از داخل متلاشی می کنند، فقط بر اثر ضعف مدیریت نیست، بل خلاء ناشی از این مشکل، در نبود کسانی ست که با تعهد بر منافع ملی و اولویت های فرهنگی، ذهنیت ایجاد می کنند و به یقین که حتی با حداقل امکانات دولتی، اگر برای شان میسر می شد، شرایط می ساختند تا گشایش راه نخبه گان و بی طرفان، اگر نه قریب، در تضمین آینده ی سیاسی کشور، موثرترین موهبت باشد.

بیش از یک دهه، صد ها خابین، قاتل، دزد، تنظیمی، مزدور، وابسته و غلام را میلیونر ساختند؛ کسانی که بر اثر فقدان وجدان، سواد و تعهد ملی، نمی دانند کشور و ملت چیست، ولی آن هزاره ی افغان متعهد که در حفرة های میراث بودا زنده گی می کند و برادرش در شهر ها رنج می برد و به خاطر رهایی از شر مزدور ولایت فقیه، برای راس زعامت، مهر تایید می زند، سهم او را حزبی ای می خورد که کمالش توجیه سیاست های ولایت فقیه است و آن تاجیک با حیثیت که در پیچ و خم کوهساران شمال، همت کرد و در هیاهوی تاراج هستی، می خواهد فریاد کند نیازی به مورچه گانی ندارد که مایملک مملکت را فقط در سوراخ خودشان می برند و آن اوزبیک جسور که برای افغانیت اش جسارت بیان دارد و بالاخره پشتونی که سال هاست با تحمل تمام رنج سیاسی، به کسی اجازه نمی دهد افغانستان را تحریف کنند، در حالی که اکثریت طیف اینان، از کمترین مزیتی بهره مند نشدند، کسان زیادی همانند یک محافظ دزد و یک قاتل تنظیمی، از پول حاکمیت های انتلافی، با زنده گی شاهانه، در برابر اکثریت مردم ما رژه می روند و محترم اند.

اکنون که بار دیگر با سیاهی تجربه ی دشواری نو مواجه ایم و به یقین رسیده ایم تا این مملکت، آگاه و نخبه ی محروم دارد، هرج و مرج تاووم خواهد یافت، برای کسانی که در راس اند و می دانند ضایعه ی نبود آگاهان و طنپرست چیست، هشدار می دهیم: «افغانیست» ها (افغانان متعهد و متعصب بر منافع و ارزش های ملی) را تشویق، حمایت و کمک کنید! زیرا بار کج، به منزل نمی رسد. با چند درجن لنگ و ملنگ، معلول و معیوب فکری و ایدیالوژیک، همین که تا پرتگاه سقوط رفته ایم- عاقلانه نیست شیرجه برویم.

اگر این مملکت آینده ی سیاسی داشته باشد، تضمین آن فقط با تضمین حیات با عزت، مرفه و آسوده ی افغانان بی طرف، متعهد و آگاه است.

یادآوری: برای نخستین بار اصطلاح «افغانیست» را در جهت تعمیم آن، به عنوان مشخصه ی افغانان آگاه و و طپرست افغانستان، به کار برده و پیشنهاد می کنم. جریان های تقابل سیاسی در افغانستان، گاهی به بهانه ی کارنامه ی حزب «افغان ملت» که آن را همواره تحریف می کنند، می کوشند صورت مساله را سیاسی و در نهایت به حاشیه بکشانند. اصطلاح «افغانیست»، مبرا از پیشینه ی سیاست زده، خوب ترین گزینه ی ماست تا با درک اهمیت اولویت های ملی، «افغانیسم» خویش را با تعاریف حقوقی، اصطلاحی و مدنی به «ایسم» مکتب منافع ملت افغان، تعمیم و توسعه دهیم.



د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی